

اول ماه مه نماد وحدت و مبارزه جهانی طبقه کارگر علیه نظام سرمایه داری بر همه کارگران مبارک باد!

اول ماه مه نماد همبستگی جهانی میلیاردها انسانی است که هویت شان را نه مرزهای جغرافیایی، نه ملیت، نه مذهب، نه جنسیت، نه رسته و صنف، نه زبان و فرهنگ ویژه بلکه مفهومی فراگیر، عمیق و بنیادی تر، تعریف می کند: طبقه؛ طبقه جهانی کارگر در برابر طبقه جهانی سرمایه دار و دولت شان؛ نیروی بیشمار کار، این آفرینندگان ثروت و زندگی در برابر اقلیتی کوچک، استثمار کننده، سرکوب گر و طفیلی که سرمایه و ثروت اندوخته اش حاصل کار است. سرمایه اکنون بیش از هر زمانی جهانی است و به همین گونه نیروی کار نیز بیش از پیش در گوشه گوشه جهان با سرمایه جهانی روبروست. هر گونه پیش روی و پیروزی مبارزه طبقه کارگر در هر نقطه از جهان پیش روی و پیروزی طبقه جهانی کارگر و هر عقب نشینی و شکست این طبقه ضربه ای بر پیکر این طبقه جهانی است. اما مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه و دولت های سرمایه داران به رغم خصلت جهانی این مبارزه و هم سرنوشتی طبقه کار در جهان سرمایه داری، در کشورهای مختلف یعنی در شرایط سیاسی و اقتصادی و با پیشینه و تجارب تاریخی متفاوت انجام می پذیرد. اول ماه مه، این نماد جهانی بودن و هم سرنوشت بودن کارگران، فرصتی است که کارگران، تشکل های کارگری و فعالین کارگری در کشورهای مختلف با بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی، موقعیت طبقه کارگر و تجارب مبارزات این طبقه، موانع و چالش هایی که جنبش کارگری با آن روبرو است را مورد ارزیابی قرار دهند و برای غلبه بر آن چاره اندیشی نموده و مبارزه کنند.

با نگاهی گذرا به وضعیت کار و زندگی طبقه کارگر ایران در حله اول تصویر تاریک و اندوه آوری در برابر بیننده ظاهر می شود:

- بیش از 90 درصد از کارگران ایران قرارداد دائم ندارند و با قرار دادهای موقت، سفید امضا و یا بدون هیچگونه قراردادی کار می کنند. (کارگران فاقد هر گونه قرارداد بنا به گزارش مجلس رژیم اسلامی به 5 میلیون می رسد).

- حداقل دستمزد 712 هزار تومانی تعیین شده توسط شورای عالی کار، چندین برابر پایین تر از خط فقر است و هزینه زندگی حتی یک هفته خانواده کارگری را به سختی تامین می کند؛ تعیین این حداقل دستمزد نه تنها به معنای محکوم کردن میلیون ها کارگر و خانواده آنها به زندگی در فقر، بلکه توهینی است از طرف رژیم اسلامی سرمایه به شعور همه کارگران.

- عدم پرداخت به موقع دستمزدها برای چند ماه و گاه چند سال و یا بالا کشیدن دستمزد از سوی کارفرمایان و دولت ایران به عنوان بزرگترین کارفرما به یک امر رایج در آمده است؛ حتی طبق گزارش های رسمی حداقل 80 هزار کارگر بعلاوه خانواده آنها در سال گذشته با مشکل دستمزدهای معوقه روبرو بوده اند. عدم پرداخت به موقع حقوق دهها هزار کارگر بازنشسته را نیز باید به این آمار افزود.

- گزارش های مختلف حاکی از بیکار سازی ها و اخراج سازی های گسترده در سال گذشته است؛ صدها هزار کارگر تنها در عرض یک سال اخراج و بیکار شده اند و به صفوف چندمیلیونی بیکاران پیوسته اند.

- تبعیض جنسیتی علیه زنان که سیاست رسمی و اعلام شده رژیم است در عرصه کار بطور مشخص زنان کارگر را هدف قرار داده است. بنا به گزارش ها تنها در سال گذشته بیش از 400 هزار کارگر زن از کار بیکار و یا اخراج شده اند.

- تبعیض علیه کارگران مهاجر به ویژه کارگران افغانی به چنان سطحی رسیده است که شاید بتوان با نمونه رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی آنرا مقایسه کرد. رژیم جمهوری اسلامی ایران با این بخش از طبقه کارگر چون نیمه انسان رفتار می کند. حضور افغانی ها رسماً در بسیاری از استان های کشور را ممنوع و جرم اعلام کرده اند.

- در نتیجه ی آنچه سوانح کار نام گرفته است اما در واقع کشتار و قتل کارگران است هر روز تعدادی از کارگران قربانی می شوند. تنها در 9 ماه اول سال گذشته خورشیدی 1500 کارگر جان شان را از دست دادند.

- تعداد کودکان کار و خیابان طبق گزارش های رسمی بیش از دو میلیون نفر است.

- سرکوب و اختناق سیاسی ضامن این هجوم بی رحمانه سرمایه علیه طبقه کارگر و اکثریت مردم بوده است. تشکل های مستقل کارگری به شدت توسط رژیم سرکوب می شوند. تعدادی از فعالین کارگری همچنان در بند بسر می برند و شمار بیشتری از فعالین کارگری به گونه های مختلف مورد اذیت و آزار و تعقیب قضایی قرار دارند. بی شرمانه برای کارگران به جرم مبارزه برای حقوق خود، حکم شنیع شلاق صادر می کنند. تعداد بسیاری از کارگران بدلیل اعتراض و سازمان دادن اعتراضات کارگری برای دستیابی به مطالباتشان توسط کارفرمایان قرارداد کاریشان تمدید نشده است و عبارتی دیگر از محل کار اخراج شده اند. شناخت و شقاوت سرمایه در ایران حدی را نمی شناسد.

ابعاد این تصویر تیره را که بازتاب شرایط و وضعیت عینی کار و زندگی طبقه کارگر ایران است، می توان همچنان با استناد به فاکت ها و آمارها گسترش داد و تکمیل کرد. این تصویر اگر چه واقعی است اما نمایان گر همه واقعیت نیست؛ زیرا طبقه کارگر ایران قربانی مطیع هجوم وحشیانه سرمایه و رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی نبوده است. این هجوم سرمایه و رژیم اسلامی به شرایط کار و زندگی طبقه کارگر، تقریباً در تمام عرصه های یاد شده، با مقاومت، اعتراض و مبارزه کارگران روبرو بوده است؛ به گونه ای که سال گذشته چه از لحاظ تعداد اعتراضات، تجمع ها و اعتصاب های کارگری و چه از لحاظ تعداد کارگران شرکت کننده در این مبارزات نشاندهنده افزایش چشم گیر و فزاینده مبارزات کارگری نسبت به سالهای پیش است. تنها به چند نمونه بسنده می کنیم:

در اعتراض به سطح دستمزدها، علاوه بر طومار چهل هزار نفری کارگران با خواست افزایش دستمزد، کارگران ایران خود رو، پتروشیمی تبریز، نیشکر هفت تپه، معدن چادرملو به اشکال مختلف از تحریم غذا گرفته تا اعتصاب، دست به اعتراض زدند و خواهان افزایش دستمزد شدند. مبارزه پرستاران در اعتراض به سطح دستمزدها و شرایط کار و تجمعشان در برابر مجلس و مبارزه گسترده، سراسری و شورانگیز معلمان برای افزایش دستمزد، نمونه های برجسته دیگری

است از مبارزه کارگران برای افزایش سطح دستمزدها و علیه تحمیل فقر. در همین پیوند، دست کم 30 هزار کارگر به اشکال مختلف از تجمع گرفته تا راهپیمایی و بستن جاده برای دریافت دستمزدهای معوقه دست به اعتراض زدند. بازنشستگان دست کم 30 تجمع اعتراضی سازمان دادند و خواهان دریافت به موقع دستمزد خود شدند.

خشم و نفرت کارگران علیه شرکت های پیمانی و قراردادهای موقت و سفید امضا و بطور کلی عدم داشتن امنیت شغلی به امری فراگیر تبدیل شده است. برای نمونه دست کم 16 هزار کارگر از جمله کارگران پتروشیمی ایلام، کارگران خدمات شهری طبس و شیراز برای تبدیل قرارداد های موقت به قرار داد دائم اعتصاب کردند.

نکته مهم و امید بخش در مبارزات کارگران در سال گذشته حضور و شرکت خانواده های کارگری در این مبارزات است. اعتصاب 5000 هزار کارگر بافق و دخالت خانواده های این کارگران در مبارزه برای آزدسازی کارگران دستگیر شده، نمونه برجسته ای از شرکت و حضور خانواده های کارگری در مبارزات طبقاتی است.

طبق این تصویر کلی و واقعی، موقعیت طبقه کارگر در ایران صحنه ای پیچیده از هجوم سرمایه و رژیم به سطح کار و زندگی کارگران از یک سو و از سوی دیگر مقاومت و مبارزه کارگران در مقابل این هجوم و برای بهبود شرایط کار و زندگی و گسست از موقعیت کنونی است.

بی تردید همه این مبارزات جمعی کارگری کم و بیش از نوعی تشکل یابی درونی بر خوردار بوده اند؛ نه تجمع اعتراضی پرستاران و نه اعتصاب کارگران بافق و نه اعتراض و مبارزه گسترده جاری معلمان نمی توانست و نمی تواند بدون حداقلی از مشارکت و هم فکری و سازماندهی انجام گیرد. اما واقعیت تلخ این است که جنبش کارگری ایران از لحاظ تشکل و سازمان یابی، در نتیجه سرکوب لجام گسیخته و به دلیل نبود پیوند و اتحاد بین مبارزات جاری کارگری، در موقعیت شکننده ای قرار دارد. مبارزات پراکنده در واحد های تولیدی و خدماتی مختلف حتی اگر بتواند در جایی به پیروزی نیز منتهی شود در بلند مدت پایدار نخواهد بود. به بیان دیگر پیروزی های نسبی و پراکنده اگر چه گام هایی به پیش در راه بهبود وضعیت طبقه کارگر است اما تثبیت این دستاوردها بدون بر هم زدن توازن قوای طبقاتی به نفع کارگران امکان پذیر نیست. طبقه کارگر ایران همچون یک کلیت نخواهد توانست که در راه رهایی خود قدمهای تعیین کننده ای به پیش بردارد مگر آنکه صدای رسا و اراده رهایی کل جامعه از استثمار و ستم و سرکوب سیاسی و اقتصادی نظام سرمایه داری باشد.

اوج گیری و گسترش مبارزه کارگران با خواسته های به حق اما بطور پراکنده و بدون پیوند با یک دیگر، وظیفه سنگینی را در برابر همه فعالین و تشکل های مستقل کارگری و همه کارگران آگاه قرار می دهد. گفت و گو و همکاری بین همه فعالین کارگری و تشکل ها و نهادهای مستقل کارگری در ایران بر مبنای خواسته های مشترک و تلاش برای پیوند زدن بین مبارزات کارگران در بخش های مختلف کارگری یکی از نخستین گامها در این راه است. وجود نقطه نظرها، دیدگاهها و یا گرایش های مختلف در جنبش مستقل کارگری، همچون هر جنبش دیگر امری طبیعی است. این واقعیت اما به هیچ رو نباید مانع شود که در شرایط کنونی، فعالین و تشکل های مستقل کارگری بر مبنای مطالبات و خواسته های مشترک - خواسته هایی که هم اکنون کارگران به اشکال مختلف برای آن مبارزه می کنند - به همکاری بپردازند و در راه تشکل یابی کارگران اقدام کنند.

اول ماه مه امسال، همانطور که تا همکنون نیز نشان داده است، فرصتی است برای بازبینی و درس آموزی از تجارب سال و سالهای گذشته و حرکت برای اتحاد عمل کارگری و مبارزه طبقاتی مشترک. خوشبختانه نمونه هایی از این نوع جهت گیری در بین تعدادی از تشکل های مستقل کارگری را هم اکنون شاهدیم. بطور مثال، قطعنامه مشترک ۱۷ ماده ای هفت تشکل و نهاد مستقل کارگری ایران به مناسب اول ماه مه اقدامی بجا در این راستاست. ما به سهم خود از این قطعنامه استقبال می کنیم و حمایت خود از این اقدام و خواستهای مطرح شده در آن را اعلام می کنیم و برای انعکاس آن در سطح جهانی تلاش خواهیم کرد.

کارگران ایران، تشکل های کارگری و فعالین کارگری در حالی به استقبال اول ماه مه ۱۳۹۴ رفته اند که جنبش کارگری ایران به دلیل مبارزات شجاعانه کارگران، فعالین و تشکل های مستقل کارگری در سال های گذشته، و تلاش سازمانها، احزاب، نهادها و فعالین کارگری در خارج کشور، بیش از هر زمانی در تاریخ صد ساله این جنبش، میان جنبش جهانی کارگری شناخته شده است. حمایت تشکلها و فعالین مترقی و سوسیالیست و آزادیخواه و نیز تشکلات کارگری در کشورهای مختلف جهان از مبارزات کارگران در ایران نشان داده است که کارگران و فعالین کارگری در ایران تنها نبوده و نخواهند بود.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

۲۸ آوریل ۲۰۱۵

info@workers-iran.org

www.workers-iran.org

www.etehadbinalmelali.com